

تغییرات راهبرد زبانی «خطاب» بر اساس نظریه ادب براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی: مطالعه موردی دانشگاه تهران

سهراب آذرپرند^۱

استادیار زبان و ادبیات ژاپنی، دانشگاه تهران

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۰

Changes in Addressing Strategies based on Brown and Levinson's Politeness Theory among Iranian Lecturers & Students: Case Study of University of Tehran

Sohrab Azarparand*

Assistant Professor of Japanese Language and Literature, University of Tehran

Received: 2018/11/11

Accepted: 2019/05/24

Abstract

As a consequence of the digital revolution, the growing of mass media, and the phenomenon of globalization, our contemporary world has been changing from various perspectives. Because of these changes, human society has been facing various new challenges. Due to close relations between society and language, social changes have always been a cause of various changes in language, and have had a significant influence on the traditional structure of many languages. Current research looks into the linguistic changes in contemporary Persian in connection with politeness elements by using Brown and Levinson's politeness theory through field work. 200 professors, students of previous generation, in the 29-69 age range, and 200 current undergraduate students at the University of Tehran, in the 18-25 age range, were a target of our questionnaire for the Survey. The forms of addressing/naming in four types of linguistic performances at the University of Tehran have been investigated in this research. The results of the investigation showed clearly that in comparison with the past, positive politeness has been growing gradually, and has been passing negative politeness in students' language strategies at the University of Tehran.

Keywords: Language change, Positive politeness, Negative politeness, Address form, Politeness theory.

چکیده

دنیای معاصر در نتیجه انقلاب دیجیتال، رشد فزاینده رسانه‌های ارتباط جمعی و پدیده جهانی شدن، همواره در معرض تغییرات گوناگونی قرار گرفته که جوامع بشری را با چالش‌های تازه‌ای روبرو کرده است. از طرفی، به دلیل ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی اجتماع و زبان، تغییرات اجتماعی به دلایل ذکرشده، در نهایت تغییرات زبانی گوناگون را هم به دنبال داشته است و چارچوب‌های فرهنگ سنتی حاکم بر بسیاری از زبان‌ها را درهم شکسته است. در پژوهش حاضر، با بررسی‌های میدانی، صورت‌های «خطاب» در چهار نوع کنش زبانی در محیط دانشگاه تهران، در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) مورد بررسی قرار گرفته است. ۲۰۰ استاد با رده سنی ۲۹-۶۹ سال به‌عنوان دانشجویان نسل قبل و ۲۰۰ دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه تهران با رده سنی ۱۸-۲۵ سال به‌عنوان دانشجویان نسل حاضر، با توزیع پرسش‌نامه مخاطب این پژوهش بوده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشانگر این است که در مقایسه با گذشته، در فضای نسبتاً رسمی دانشگاه، ادب مثبت به‌تدریج در حال افزایش و پیشی گرفتن از ادب منفی در کنش‌های زبانی خطاب است.

کلیدواژه‌ها: تغییرات زبانی، ادب مثبت، ادب منفی، صورت خطاب، نظریه ادب.

مقدمه

بیشتر ما مستقیم یا غیرمستقیم شنیده‌ایم که برای مثال در باجه بانک، متصدی بانک با رده سنی پایین‌تر خطاب به مشتری با رده سنی بالاتر و گاهی جنسیت متفاوت که به‌ظاهر اولین بار است او را می‌بیند، بیان‌هایی مانند «کارت ملیتو بده»، یا «کیی شناسنامه و کارت ملیتو آوردی؟» را به‌کار می‌برد. در راهرو دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران بعد از اتمام کلاس‌های صبح، ساعت ۱۱:۳۵ دانشجوی خانم خطاب به همکلاسی خود چنین می‌گوید «کامران! جزوه درس ادبیات ۱- رو داری؟» یا دقیقی قبل از شروع کلاس دانشجوی آقا همکلاسی خانم خود را صدا می‌زند «مهسا! فایلو می‌فرستم به تلگرام. باشه؟». هرچند ممکن است در سال‌های اخیر چنین بیان‌هایی به دلیل استفاده زیاد بسیار معمول شده باشد اما، تصور می‌شود که هنوز افراد میان‌سال بسیاری از گویشوران فارسی نسبت به این‌گونه بیان‌ها در خطاب به خویش یا دیگران احساس قربایت نمی‌کنند. به دلیل اینکه استفاده از بیان‌هایی نظیر این، در فضاهای گفتاری بالا پدیده زبانی تازه‌ای است و با عناصر اجتماعی-فرهنگی که سال‌ها در جامعه زبانی این گویشوران کاربرد داشته است، هم‌خوانی ندارد.

از طرفی، بیان‌های این‌چنینی که در آن عدم توجه به تفاوت سن، جنسیت و جایگاه اجتماعی مشهود است را نه تنها در کنش‌های زبانی فارسی‌زبانان، بلکه در رسانه‌های جمعی فارسی‌زبان داخلی و خارجی هم به‌وفور می‌توان یافت. در ادامه، نمونه‌هایی را به‌ترتیب از رسانه‌های خارجی و داخلی خواهیم دید. در بخش فارسی سازمان خبرپراکنی بی‌بی‌سی^۱ در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۲۶ در ساعت ۱۷:۲۳ گوینده اصلی خبر بعد از پخش گزارش همکارش در واشنگتن چنین می‌گوید: «مهرنوش متشکر ازت. مهرنوش پورضیایی از واشنگتن». در شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی‌زبان ایران اینترنشنال در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ ساعت ۲۰:۱۹ مجری برنامه در بخشی از اخبار که اصولاً فضایی رسمی محسوب می‌شود، از مهمان برنامه می‌پرسد: «آقای رضا، در صورت لغو این قرارداد چه

کشورهایی بیشتر متضرر می‌شن؟». در همین شبکه در همان تاریخ ساعت ۲۰:۲۴ مجری اصلی، اخبار ورزشی را با این بیان خطاب به همکارش شروع می‌کند: «و حالا نگاهی به اخبار ورزشی داریم با آرام. آرام!» و مجری اخبار ورزشی که با اسم کوچک صدا زده شده، خطاب به مجری اصلی اخبار می‌گوید: «ممنونم کامیار!» و اخبار ورزشی را آغاز می‌کند. در برنامه «چشم‌انداز» همین شبکه در ساعت ۲۱:۰۳ همان تاریخ، مجری مربوطه همکارش را چنین خطاب می‌کند: «خب، چی تو داری برامون کیانوش؟».

در فضای گفت‌وگو در رادیو و تلویزیون داخلی هم برای مثال در برنامه «ماه عسل» که یکی از برنامه‌های پر بیننده شبکه ۳ صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است و به مجری‌گری احسان علیخانی پخش می‌شود، در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۷ (برابر با دوم ماه رمضان) در ساعت ۷:۲۵ مجری برنامه به مهمان برنامه چنین می‌گوید: «منم شبیه تو بودم. من خیلی شبیه تو بودم، خیلی. تو تازه سیزده سال رو دیدی. من همون سیزده سال رو هم ندیدم.» یا در همین برنامه پرتعداد در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ ساعت ۲۰:۳۵ مجری برنامه خطاب به مهمان جوان برنامه که دارای مرتبه علمی دکترا نیز هست، می‌گوید: «بحث اینه که تو به‌خاطر عصبانیت و کدورت، این اتفاق برات افتاده؟» و در ۲۰:۳۶ باز مجری برنامه می‌پرسد «قبل از پیوند چه اتفاقات خوبی تو زندگی تو میوقته؟» همچنین در برنامه پربیننده «دوره‌می» شبکه نسیم در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۱۴ مجری برنامه، مهران مدیری، پس از اینکه مهمان برنامه را با اسم کوچک «نگین خانم» خطاب می‌کند در ساعت ۱۲:۰۲ از او می‌پرسد «گفتی اون موقع‌ها بهش می‌گفتی؟ پی اس؟» مهمان برنامه، نگین معتمدی، بازیگر سینما جواب می‌دهد «بله» و سپس مجری می‌پرسد «چند سالتته؟». و در ادامه در ساعت ۱۲:۱۳ مجری از مهمان می‌پرسد «عاشق شدی؟» و مهمان پاسخ می‌دهد «من اوایل ۹۵ نامزد کردم». در اواخر برنامه مجری باز به‌عنوان آخرین

اضافه کردن «آقای + اسم کوچک» یا «خانم + اسم کوچک» نیز پدیده زبانی نوظهوری است. در فارسی استاندارد «آقای + نام خانوادگی» و «خانم + نام خانوادگی» کاربرد دارد و در مورد استفاده از اسم کوچک، صورت‌های «اسم کوچک + آقا: علی آقا» یا «آقا + اسم کوچک: آقا مرتضی» و «اسم کوچک + خانم: مریم خانم، زهرا خانم» کاربرد دارد. تصور می‌رود این پدیده زبانی نوظهور که در حال حاضر بیشتر در رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان رواج دارد، در آینده در داخل ایران هم کاربرد پیدا کند.

1. BBC

۲. به‌تازگی، در بسیاری از رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان و در بخشی که مربوط به تماس بینندگان و شنوندگان است، مشاهده می‌شود که بیننده یا شنونده خود را با اسم کوچک معرفی می‌کند. مجری برنامه هم که نام خانوادگی تماس‌گیرنده را ندارد، هنگام صدا زدن وی برای مثال می‌گوید: «آقای حسن از تهران» یا «خانم مریم از تبریز». باید گفت

براساس دو نتیجه فوق، می‌توان دریافت که دو عنصر «سن» و «بالادست ناظر» در زمان انجام پژوهش میدانی جهانگیری در کاربرد بیان مؤدبانه تأثیرگذار بوده‌اند. با نگاه به مثال‌های فوق، داده‌ها و نتایج مقاله حاضر که در ادامه خواهیم دید و رصد محاورات روزمره فارسی، به نظر می‌رسد نتایج حاصل از پژوهش جهانگیری که نزدیک ۲۰ سال قبل انجام شده است، درحال رنگ باختن است و درمورد جامعه و زبان فارسی امروزه صدق نمی‌کند. مدرسی تهرانی (۲۰۰۹: ۳۲۴) نیز در این باره چنین می‌گوید: «پدر و مادرهای نسل فعلی که در بیشتر موارد والدین خود و به‌ویژه پدرانشان را با ضمیر دوم شخص جمع «شما / V»^۴ مورد خطاب قرار می‌دادند اما اکنون خود از سوی فرزندان‌شان با «تو / T» خطاب می‌شوند».

از طرفی، در ارتباط با صورت‌های خطاب در زبان فارسی، پژوهش‌های جدیدتری نیز وجود دارد. شکاری (۱۳۹۰) به ارتباط بین عنصر قدرت و راهبرد زبانی ادب مثبت و منفی در محل کار پرداخته است. عشقی‌نژاد (۱۹۹۳) استفاده از راهبرد زبانی ادب و صورت‌های مختلف خطاب در بین دانشجویان ایرانی زبان انگلیسی را مورد بررسی قرار داده است و احمدخانی (۱۳۹۳) چگونگی آغاز گفت‌وگو با استفاده از عبارات‌های متنوع خطاب را مورد پژوهش قرار داده است. اما در هیچ‌کدام از تحقیقات پیشین، تغییرات کنش زبانی خطاب در زبان فارسی به شکل میدانی و با تعداد قابل ملاحظه گویشور^۵ انجام نگرفته است.

در پژوهش حاضر، ابتدا به معرفی و بررسی اجمالی نظریه ادب براون و لوینسون^۶ (۱۹۸۷) می‌پردازیم. برای آشکار کردن تغییرات کنش زبانی خطاب^۷ در چارچوب این نظریه، بین تعداد ۲۰۰ نفر از استادان دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران به نسبت مساوی آقا و خانم با میانگین سنی نزدیک به ۴۴ سال و تعداد ۲۰۰ نفر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تهران به نسبت مساوی آقا و خانم با

پرسش از مهمان می‌پرسد «چیزی هست که خودت بخوای بگی، من نپرسیده باشم؟».

تا چند سال پیش خطاب کردن مهمان برنامه‌های تلویزیونی داخلی در برنامه‌های نسبتاً رسمی و پربیننده تلویزیونی با ضمیر دوم شخص مفرد «تو» متداول نبود و صدازده شدن مکرر با این ضمیر شخصی برخوردار بود. اما به نظر می‌رسد این روزها در اثر تغییرات زبانی گوناگون که حاصل تغییرات فرهنگی-اجتماعی است، هم مجری و هم مهمان برنامه با استفاده از این ضمیر در حضور میلیون‌ها بیننده احساس راحتی می‌کنند. مثال‌های بالا، تنها نمونه‌های اندکی از تغییرات زبانی است که پیرامون موضوعات مربوط به ادب در بین گویشوران زبان فارسی در حال رخ دادن است. نمونه‌های بسیاری از این بیان‌ها را به راحتی و به‌وفور می‌توان در گفت‌وشنود روزمره فارسی و در برنامه‌های رادیو-تلویزیونی فارسی‌زبان داخلی و خارجی یافت.

هرچند در سال‌های اخیر، پژوهشگران ایرانی و خارجی زیادی از جمله کشاورز (۱۹۸۸)، بیمن (۲۰۰۱)، کوتلکی (۲۰۰۲)، شریفیان (۲۰۰۸)، ایزدی (۲۰۱۶) و دیگران مسائل مربوط به ادب و تعارف در زبان فارسی را مورد پژوهش قرار داده‌اند، گستردگی عناصر مربوط به زبان محترمانه و تعارف و تغییرات آنها در زبان فارسی، پژوهش‌های بیشتری را چه در زمینه روشن شدن نقش این عناصر در زبان فارسی از دیدگاه منظورشناسی^۱ و چه در زمینه بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌طلبد. به‌ویژه که همراه با تغییرات متعدد اجتماعی-فرهنگی ایران، عناصر یادشده و در نتیجه خود زبان فارسی به تدریج اما همواره در معرض تغییرات گوناگون است.

جهانگیری (۱۳۷۸: ۱۵۷-۱۵۸) با در نظر گرفتن گونه احترام در زبان فارسی و ارتباط آن با سلطه^۲ و همبستگی^۳، هفت نتیجه به دست می‌دهد که دو نتیجه آن به شرح زیر مرتبط با پژوهش حاضر و قابل تامل است: (۱) سن در موارد مختلف در انتخاب بیان مؤدبانه تأثیرگذار است. این امر به دلیل دیدگاه سنتی است که تأکید بر احترام به افراد مسن‌تر دارد؛ (۲) بالادست ناظر (سوم شخص حاضر در گفت‌وگوی سخنگو و مخاطب که دارای موقعیت اجتماعی بالاتر نسبت به سخنگو و مخاطب است).

۴. در پژوهش‌های زبان‌شناسی اجتماعی، ضمیر دوم شخص جمع که در خطاب به مخاطب مفرد در موقعیت رسمی و برای بیان احترام کاربرد دارد را با «V» و مفرد آن را با «T» نشان می‌دهند که در موقعیت غیررسمی و زمان استفاده با دوست صمیمی، مخاطب پایین‌دست و غیره به کار می‌رود. در بسیاری از زبان‌های هندواروپایی باستان، میانه و امروزی حرف اول این ضمیر به ترتیب «V» و «T» است.

5. informant
6. P. Brown and S. Levinson
7. naming, address forms

1. pragmatics
2. power
3. solidarity

میانگین سنی نزدیک به ۲۱ سال پرسش‌نامه توزیع شد. میانگین تفاوت سنی در پژوهش حاضر نزدیک به ۲۳ سال است. توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه از تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۶ آغاز و تا تاریخ ۹۵/۹/۱۶ ادامه یافت. گروه استادان به‌عنوان دانشجویان نسل قبل و گروه دانشجویان دوره کارشناسی به‌عنوان دانشجویان نسل حاضر انتخاب شده‌اند. در این پژوهش به دو پرسش اساسی پرداخته شده است: (۱) آیا در مقایسه با گذشته، در فضای نسبتاً رسمی دانشگاه، در ارتباط با راهبرد زبانی «خطاب»، ادب مثبت در حال افزایش یافتن و پیشی گرفتن از ادب منفی در رفتارهای زبانی دانشجویان و استادان فارسی‌زبان دانشگاه تهران است؟ (۲) اگر چنین است، دلایل احتمالی آن چه می‌تواند باشد؟

جزئیات مربوط به مخاطبان پرسش‌نامه به شرح جدول زیر است.

جدول ۱. جزئیات مربوط به مخاطبان پرسش‌نامه

گروه مخاطب	جنسیت	تعداد	سن	میانگین سن	میانگین سنی آقا و خانم
استاد	آقا	۱۰۰	۳۱-۸۳	۴۶/۶	۴۴/۱۷
	خانم	۱۰۰	۲۹-۶۱	۴۱/۷۵	
دانشجو	آقا	۱۰۰	۱۸-۳۴	۲۲/۲۸	۲۱/۲۱
	خانم	۱۰۰	۱۸-۳۱	۲۰/۱۴	

چارچوب نظری

از دهه ۱۹۷۰ میلادی که پژوهش‌های مربوط به ادب آغاز شد، نظریه‌های متعددی ارائه شده است که در این میان نظریه لیکاف (۱۹۷۵)، براون و لوینسون (۱۹۷۸؛ ۱۹۸۷) و لیچ^۱ (۱۹۸۳) از شهرت بیشتری برخوردارند. این سه نظریه همگی «ادب» را یکی از شروط استفاده از زبان می‌دانند و با تاکید بر این مطلب که نظریه ادب یک عنصر جامع و فراگیر در تمامی زبان‌های دنیا است، هر کدام راهبرد و قوانین حاکم بر عنصر ادب را ارائه می‌کنند. در این بین، با تمام ایراداتی که از دهه آخر قرن بیستم تا به حال توسط پژوهشگرانی مانند ایلن^۲ (۲۰۰۱)، واتس^۳ (۲۰۰۳)، واتس، ایده و ایش^۴ (۲۰۰۵)، گیر^۵ (۲۰۰۸) و غیره با طرح رویکردهای

گفتمان‌محور در سال‌های اخیر به آن گرفته شده است، نظریه ادب براون و لوینسون همچنان از شهرتی به‌مراتب بیشتر برخوردار است. قبل از اینکه به‌طور اجمالی به این نظریه بپردازیم، باید گفت که ما به‌طور معمول با توجه به سه عنصر «مخاطب» (هم سن است یا نیست، آشناست یا غریبه، یک‌نفر است یا بیشتر، از لحاظ موقعیت اجتماعی با ما برابر است یا نیست و غیره)، «مکان بیان» (فضای دوستانه است یا رسمی و غیره)، و «محتوای بیان» (تقاضا، تبریک، تسلیت، توضیح و غیره) تصمیم می‌گیریم که راهبرد زبانی مناسب چیست و آن را به کار می‌بریم. اما از طرفی، لحاظ کردن سه عنصر یادشده در انتخاب راهبرد مناسب، بسته به فرهنگ و اجتماعی که گوینده و شنونده به آن تعلق دارند، متفاوت است. برای مثال، در فرهنگ سنتی ایران که همواره تفاوت سنی، جنسیت و موقعیت اجتماعی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد فاصله روحی بین گوینده و مخاطب هستند، باعث کاربرد بیان‌های مؤدبانه در زبان فارسی می‌شوند. اما در فرهنگ آمریکایی که تاکید بر برابری افراد دارد، آن راهبردهای زبانی مناسب‌تر و مؤدبانه‌تر محسوب می‌شوند که منجر به کم‌شدن فاصله روحی یا نوعی احساس صمیمیت بین افراد بشود. به همین دلیل، صدازدن استاد در دانشگاه با اسم کوچک توسط دانشجویان امری متداول است و همچنین افراد با هر جایگاه اجتماعی و سنی زمان معرفی خود، عمدتاً نام کوچک خود را به کار می‌برند. صدا زدن متقابل مجری‌های خبرگزاری سی‌ان‌ان^۷ با نام کوچک و غیره از جمله نمونه‌هایی است که به‌وفور در جامعه آمریکا قابل مشاهده است و تصور می‌شود نیازی به آوردن مثال‌های واقعی آن نباشد.

به دلیل تفاوت چشمگیر در روش ادای ادب به مخاطب در فرهنگ‌های مختلف و همچنین تفاوت در ابزارها و امکانات زبانی در زبان‌های مختلف، در نگاه اول مثلاً آن چیزی که در زبان انگلیسی آمریکایی «ادب» نامیده می‌شود یا تصور از شخص «بادب، مؤدب» در فرهنگ آمریکا با آنچه در زبان‌هایی مانند فارسی یا ژاپنی است در تضاد قرار می‌گیرد. به این مفهوم که، مثلاً در یک آشنایی خانوادگی که شخص آمریکایی خود و همسرش را بدون در نظر گرفتن تفاوت سنی یا جایگاه اجتماعی و غیره، با اسم کوچک معرفی می‌کند و مخاطب را هم با اسم کوچک صدا می‌زند، شخصی

1. G. Leech
2. G. Eelen
3. R. J. Watts
4. R. J. Watts, S. Ide and K. Ehlich
5. N. Geyer

6. language strategy
7. CNN

منفی، شخص تمایل ندارد کسی وارد دنیایش شود، درون‌گرا است و از تحمیل خواسته دیگران بیزار است. ملاحظاتی مانند، صدا زدن مخاطب با نام خانوادگی حتی پس از آشنایی چندساله، استفاده از بیان رسمی، عدم استفاده از بیان‌های صریح، استفاده از تلطیف‌کننده‌ها^۷ و ابراز فروتنی نسبت به مخاطب که با هدف حفظ این وجهه انجام می‌گیرد «ادب منفی»^۸ نامیده می‌شود.

به هر ترتیب، بدون ارتباط کلامی، زندگی اجتماعی و رسیدن به اهداف مختلف در زندگی تقریباً ناممکن است. بنابراین با اینکه هر رفتار زبانی امکان تهدید وجهه مخاطب را دارد، انسان را گریزی از آن نیست و هر زبان و فرهنگ راهکارهایی را برای کاهش میزان تهدید وجهه به گویشوران خود ارائه کرده است که در طول زمان شکل گرفته و محتوم شده‌اند. براین اساس، طبق نظریه ادب براون و لوینسون، در هر زبان و فرهنگ برای جلوگیری از خدشه‌دار شدن وجهه مخاطب، برحسب ویژگی‌های مخاطب، فضای انجام ارتباط کلامی و غیره، شخص یکی از ۵ راهبرد ادب ارائه‌شده در زیر را انتخاب می‌کند. لازم به ذکر است که در نمودار ارائه‌شده توسط براون و لوینسون هر چه احتمال تهدید وجهه مخاطب بیشتر باشد، راهبرد ادب از شماره ۱ در نمودار پایین به سمت شماره ۵ می‌رود.

در ادامه، برای ملموس‌تر بودن ۵ راهبرد فوق، فضایی را متصور می‌شویم که در آن دو نفر روی نیمکت پارک نشسته‌اند و یکی از آنها مقداری شیرینی دارد و ۵ راهبرد را بسته به ویژگی‌های مخاطب به کار می‌گیرد.

۱. بیان مستقیم و بی‌پرده^۹: این راهبرد زبانی زمانی مورد استفاده است که احتمال تهدید وجهه مخاطب بسیار کم است. مثلاً دو نفر باهم دوست صمیمی‌اند. برای مثال، در فضای ارتباط کلامی فرضی بالا گوینده به مخاطب می‌گوید: «بخور!» یا «بردار!».

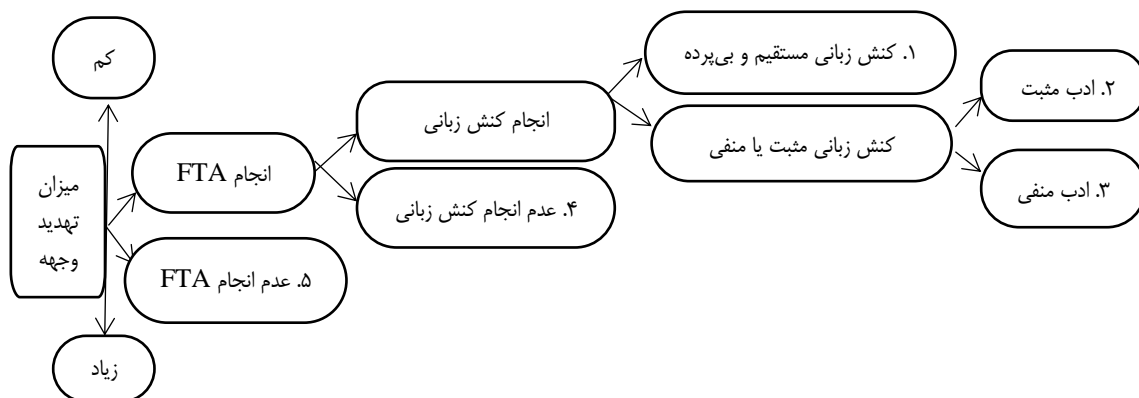
۲. بیان به روش ادب مثبت^{۱۰}: گوینده با حسی همراه با صمیمیت و برون‌گرایی ارتباط کلامی برقرار می‌کند. برای مثال، در فضای ارتباط کلامی فرضی یادشده، گوینده یکی از این استراتژی‌های زبانی را به کار می‌برد: «با شیرینی چطوری؟»، «شیرینیش عالیه، یه دونه امتحان کن!»، «یه دونه بردار، ضرر نمی‌کنی!»، «می‌زنی؟».

مؤدب محسوب می‌شود، اما همین رفتار در فضای مشابه در فرهنگ سنتی ایران معمول نیست و صدا زدن همسر شخص بدون آقا یا خانم و تنها با اسم کوچک رفتاری مؤدبانه به حساب نمی‌آید؛ برعکس، همیشه خطاب قراردادن شخص با نام خانوادگی در فرهنگ آمریکایی نیز رفتاری است که به دلیل ایجاد فاصله روحی-روانی و عدم احساس صمیمیت، مؤدبانه نیست. به همین دلیل، اساساً برداشت از واژه polite در زبان انگلیسی و برگردان فارسی آن «بادب، مؤدب» بسیار متفاوت است و بدون توضیحاتی که آورده شد، شخص را دچار سردرگمی خواهد کرد. همچنین باید گفت که به قول مدرسی تهرانی (۲۰۰۹)، شیوه خطاب به سبک آمریکایی، تنها یک الگوی زبانی است و لزوماً با صمیمیت عمیق یا حتی سطحی و فاصله کمتر اجتماعی همراه نیست، درحالی که دو همکار ایرانی (مثلاً به دلیل سال‌ها همکاری نزدیک)، ممکن است صمیمیت بیشتری داشته باشند، اما باز هم از الگوی «آقای/خانم + نام فامیل» به‌طور متقابل استفاده کنند. در ادامه، به‌طور اجمالی به معرفی نظریه براون و لوینسون خواهیم پرداخت.

همان‌طور که ذکر آن رفت، نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۷۸؛ ۱۹۸۷) با وجود انتقادهای بسیار درمورد فراگیر بودن و جامع‌بودنش از بین نظریه‌های ادب مورد اشاره در بالا، شناخته‌شده‌تر است و در نظریه‌های ادب و پژوهش‌های مربوطه، ازجمله مطالعات میان‌فرهنگی، کماکان مورد استفاده است و طرفداران خود را دارد. آنها معتقدند زمانی که شخصی با دیگران ارتباط کلامی برقرار می‌کند، احتمال دارد برحسب نوع رفتار زبانی^۱ که انتخاب می‌کند «وجهه»^۲ مخاطب را به خطر بیندازد. آنها چنین رفتار زبانی را «کنش تهدیدکننده وجهه»^۳ نامیده‌اند. به‌علاوه، در این نظریه ادب دو وجهه تعریف شده است: «وجهه مثبت»^۴ و «وجهه منفی»^۵. در وجهه مثبت، شخص تمایل دارد تا در گروه پذیرفته شود، برون‌گرا است و دوست دارد ارزیابی دیگران در موردش مثبت باشد. ملاحظاتی مانند ابراز علاقه و صمیمیت، صدا زدن مخاطب با اسم کوچک و معرفی خود با اسم کوچک و تأکید بر نکات مشترک و غیره که به منظور حفظ این وجهه انجام می‌گیرد، «ادب مثبت»^۶ نامیده می‌شود. درمقابل، در وجهه

1. language behaviour
2. face
3. face threatening act (FTA)
4. positive face
5. negative face
6. positive politeness

7. hedge
8. negative politeness
9. without regressive action, baldly
10. positive politeness



شکل ۱. ترجمه نگارنده از نقشه راهبرد ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷: ۶۹)

بیان‌های ذکر شده، مواردی مانند تفاوت جایگاه اجتماعی، سن، جنسیت، میزان صمیمیت و همبستگی بین گوینده و مخاطب و دیگر عناصر اجتماعی-فرهنگی گوناگون نهفته در زبان در به‌کارگیری این بیان‌ها تأثیرگذارند. به دلیل برجسته بودن نقش بیان‌های مؤدبانه در زبان‌های یادشده، پژوهش در مورد این بیان‌ها از دیرباز از زوایای مختلف انجام پذیرفته است. از نظر زمانی، بسیاری از پژوهش‌های مذکور در این زبان‌ها حتی به قبل از ظهور علم زبان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان شاخه‌ای مجزا از علم زبان‌شناسی در دهه ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد.^۴ همچنین، نقش برجسته این بیان‌ها در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به خارجی‌زبانان نیز از دید پژوهشگران ایرانی و خارجی پنهان نمانده است. در کتاب‌های نسبتاً قدیمی آموزش دستور زبان فارسی از جمله ابراهیم^۵ (۱۸۴۱: ۱۶۰-۱۷۰)، فیلیوت^۶ (۱۹۱۹: ۶۸-۷۰)، لمبتون^۷ (۱۹۵۳: ۱۶۶-۱۷۱)، هاج^۸ (۱۹۵۷: ۳۶۹-۳۶۶) و غیره هرچند اندک، به آموزش این بیان‌ها پرداخته شده است. می‌توان گفت وجه اشتراک بیان‌های مؤدبانه در زبان‌های به اصلاح آسیایی که در بالا نام برده شد، این است که با اختلافی ناچیز این بیان‌ها به بیان‌های محترمانه، بیان‌های فروتنانه و بیان‌های غیرمستقیم زیبا (به‌گویی)^۹ تقسیم می‌شوند.^{۱۰}

^۳ بیان به روش ادب منفی^۱: گوینده با سبکی که درجه ادب کلامی و رسمیت آن بر صمیمیت بین دو نفر می‌چرید، ارتباط کلامی برقرار می‌کند. برای مثال می‌گوید: «بخشید، میل دارید بدم خدمتون؟»، «جناب، بفرمایید!».

^۴ استفاده از ابزارهای غیرزبانی مانند ایما و اشاره^۲: گوینده که به هر دلیل احساس می‌کند ممکن است با ارتباط کلامی وجهه مخاطب تهدید شود، بدون گفتار و تنها با اشاره، شیرینی را به مخاطب تعارف می‌کند و از بیان کلامی پرهیز می‌کند.

^۵ عدم کاربرد کنش تهدیدگر وجهه مخاطب^۳: گوینده به هر دلیل احساس می‌کند که هر نوع ارتباط کلامی و غیرکلامی ممکن است وجهه مخاطب را تهدید کند، بنابراین از هرگونه کنش تهدیدگر وجهه کلامی و غیرکلامی پرهیز کرده و به‌کل از تعارف کردن شیرینی چشم‌پوشی می‌کند.

تفاوت ویژگی‌های ساختاری در بیان‌های مؤدبانه فارسی و انگلیسی

قبل از پرداختن به نتایج پژوهش میدانی، لازم است تا به بررسی اجمالی ویژگی‌های بیان‌های مؤدبانه در زبان فارسی بپردازیم. بیان‌های مؤدبانه به شکل سازماندهی شده بدون ارتباط به گروه و خانواده زبانی عمدتاً در زبان‌های آسیایی از جمله ژاپنی، کره‌ای، تایلندی، هندی، ویتنامی و جاوه‌ای و غیره به چشم می‌خورد (کیکوچی، ۱۹۹۴: ۷۳-۷۴). در پژوهش‌های مربوطه مشخص شده است که زمان استفاده از

۴. پژوهش زبان‌شناس آمریکایی ویلیام لباو در سال ۱۹۶۶ اولین تحقیق اساسی در زمینه زبان‌شناسی اجتماعی به‌شمار می‌آید (مدرسی ۱۳۹۱: ۱۸۸).

5. M. M. Ibraheem

6. D. C. Phillott

7. A.K.S. Lambton

8. C. T. Hodge

9. Euphemism

۱۰. برای دیدن جزئیات این بیان‌ها در زبان فارسی رجوع شود به جهانگیری

(۱۳۷۸) و آذرپرند (۲۰۱۰). در زبان ژاپنی رجوع شود به مینامی (۱۹۸۷)،

تسوجی‌مورا (۱۹۷۷) و تاکی‌اورا (۲۰۰۵).

1. negative politeness

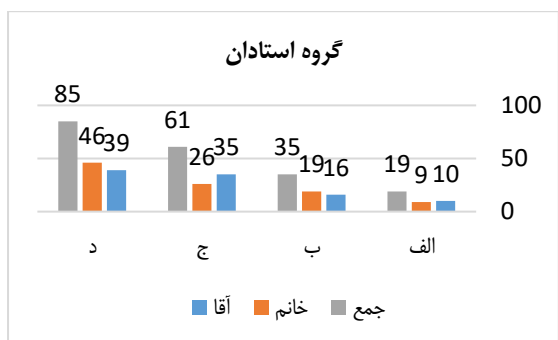
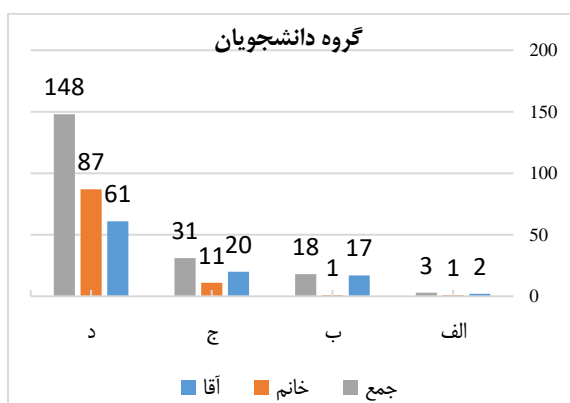
2. off record

3. Don't do the FTA

مربوطه خواهیم پرداخت. فعل پرسشی در بعضی از پرسش‌های زیر به دو شکل گذشته/حال آورده شده است. صورت گذشته فعل مربوط به گروه استادان و صورت حال آن مربوط به گروه دانشجویان است.

(۱) چند نفر از همکلاسی‌های همجنس‌تان را با اسم کوچک صدا می‌زدید؟ / می‌زنید؟

الف) هیچ‌کس (ب) ۱ تا ۳ نفر
ج) ۴ تا ۱۰ نفر (د) تقریباً همه همکلاسی‌ها



شکل ۲. پرسش ۱

با توجه به پراکندگی داده‌ها در گروه استادان در شکل ۲، به نظر می‌رسد در این گروه، افراد حتی همکلاسی‌های همجنس را نیز با در نظر گرفتن میزان صمیمیت انتخاب کرده و با اسم کوچک صدا می‌زنند. جمعاً ۱۹ نفر از ۲۰۰ نفر، معادل (۹.۵٪)، از کل این گروه پاسخ (الف) را انتخاب کرده‌اند که نشان می‌دهد هیچ همکلاسی همجنسی را با اسم کوچک صدا نمی‌زنند. تعداد کل افرادی که گزینه‌های (ب) و (ج) را انتخاب کرده‌اند به ترتیب ۳۵ نفر (۱۷.۵٪) و ۶۱ نفر (۳۰.۵٪) است. از نظر جنسیت هم پراکندگی در انتخاب گزینه‌های چهارگانه مشهود است که حکایت از میزان صمیمیت و تعداد خطاب با اسم کوچک به‌طور هدفمند در هر دو گروه جنسی در گروه استادان دارد.

از طرفی، هر چند تحقیقات اندکی در گذشته در مورد این بیان‌ها به‌ویژه در زبان‌های اروپایی غربی به چشم می‌خورد (صفرمقدم، ۱۳۸۸: ۷۹)، اما اساساً دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز پژوهش‌های مربوط به عناصر ادب از نظر کاربردشناسی و زبان‌شناسی اجتماعی در زبان‌های اروپایی است که ساختاری کاملاً متفاوت نسبت به زبان‌های آسیایی نام‌برده از نظر ساختار بیان‌های مؤدبانه دارند. اما با وجود تفاوت در ساختار بیان‌های مؤدبانه در زبان‌های آسیایی و اروپایی، می‌توان گفت نظریه ادب براون و لوینسون به‌دلیل جامع و فراگیر بودن، مسائل مرتبط به ادب را در تمامی این زبان‌ها پوشش می‌دهد. در واقع، در زبان‌های به‌اصطلاح آسیایی (نظیر فارسی و ژاپنی) که مملو از افعال، اسم‌ها و ضمائر محترمانه و فروتنانه خاص هستند و اساساً ساختارهای متفاوتی دارند نیز، زمانی که شخصی قصد صمیمیت با مخاطب را دارد، سعی می‌کند با راهبرد زبانی «ادب مثبت» به‌تدریج از میزان استفاده از افعال محترمانه و فروتنانه بکاهد و مخاطب را با ضمیر و شناسه فعلی دوم شخص مفرد مورد خطاب قرار دهد. و برعکس، زمانی که می‌خواهد اظهار ناراحتی خود را نسبت به مخاطب صمیمی بیان کند، گاهی عامدانه از بیان‌های محترمانه یا فروتنانه یا به‌عبارتی از «ادب منفی» استفاده می‌کند.

بحث و بررسی در مورد داده‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، تعداد ۱۵ پرسش بین مخاطبان توزیع شد اما به دلیل کمبود فضا، تنها به تحلیل و تجزیه ۹ پرسش اساسی بسنده خواهد شد که تصور می‌شود برای برجسته کردن تفاوت‌های راهبرد زبانی خطاب بین دو نسل مورد پژوهش کافی باشد. یادآوری می‌شود همان‌طور که در جدول ۱ دیدیم، میانگین تفاوت سنی بین گروه استادان و گروه دانشجویان نزدیک به ۲۳ سال است و در ارائه داده‌های هر نمودار، جنسیت پرسش‌شونده‌ها نیز مد نظر قرار گرفته است. در ادامه با تمرکز بر «صورت‌های خطاب» به ۴ نوع از این صورت‌ها در کنش‌های زبانی در محیط دانشگاه خواهیم پرداخت.

خطاب همکلاسی‌های همجنس و غیرهمجنس

به منظور بررسی این موضوع، دو پرسش (۱) و (۲) را از دو گروه مورد پژوهش جویا شدیم که در زیر به تحلیل داده‌های

۱. برای دیدن وجه اشتراک ساختار بیان‌های مؤدبانه در زبان‌های ژاپنی و فارسی به‌عنوان زبان‌های آسیایی و وجه تفاوت آن‌ها با زبان انگلیسی به‌عنوان زبانی اروپایی، رجوع شود به آذرپند (۱۳۹۲).

با نگاهی اجمالی به شکل ۳ به راحتی می‌توان به تفاوت راهبرد زبانی بین دو گروه مخاطب این پژوهش پی برد. تعداد کل ۱۸۰ نفر (۹۰٪) از گروه استادان پاسخ (الف) و تنها تعداد کل ۶ نفر (۳٪) پاسخ (د) را انتخاب کرده‌اند. در مقایسه، این آمار برای گروه دانشجویان در مورد پاسخ (الف) تعداد کل ۸۵ نفر (۴۲.۵٪) و در مورد پاسخ (د) تعداد کل ۴۰ نفر (۲۰٪) را نشان می‌دهد. این در حالی است که در مورد پاسخ‌های (ب) و (ج) هم در مقایسه با گروه استادان، در گروه دانشجویان با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه هستیم. بر اساس داده‌های شکل ۳ می‌توان چنین ادعا کرد که در مقایسه با میانگین متوسط ۲۳ سال قبل، ادب مثبت در ارتباط کلامی بین دانشجویان غیرهمجنس با سرعتی چشمگیر در حال افزایش است. به علاوه، این نتیجه بیانگر این مطلب است که نقش عنصر جنسیت در انتخاب چگونگی صدا زدن افراد، در فرهنگ سنتی و محافظه‌کار جامعه ایران در حال رنگ باختن است. جزئیات مربوط به تفاوت‌ها بر حسب جنسیت در مورد چهارگزینه پرسش را می‌توان در شکل ۳ مشاهده کرد اما، باید گفت که داده‌های این نمودار نیز مهر تاییدی است بر ادعایی که در تحلیل و تجزیه شکل ۲ دیدیم. باید توجه داشت وقتی شخصی دیگری را با اسم کوچک صدا می‌زند به احتمال بسیار زیاد در ارتباط کلامی با وی، هم ضمیر دوم شخص مفرد «تو» و هم «شناسه فعلی مفرد» را به کار می‌برد. هر چند در این پژوهش فرصت بررسی این موارد وجود نداشت اما، تمامی این موارد حکایت از پیشی گرفتن ادب مثبت در برابر ادب منفی است.

خطاب همکلاسی‌های همجنس و غیرهمجنس در حضور استاد

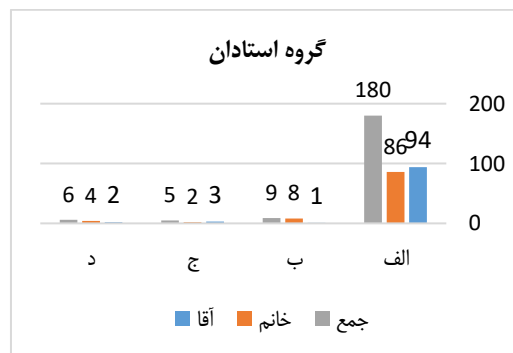
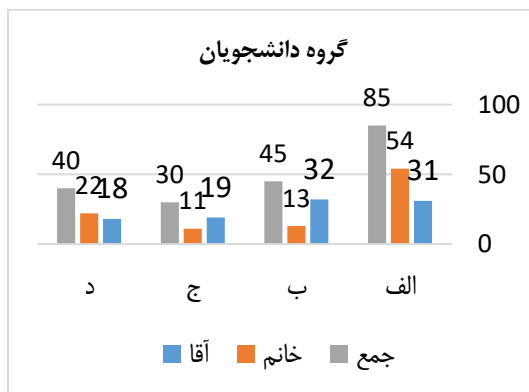
پژوهش‌های نسبتاً قدیمی، از جمله جهانگیری (۱۳۷۸: ۱۵۸)، بر این مطلب تاکید دارند که در مورد استفاده از بیان‌های مؤدبانه زبان فارسی «بالادست ناظر بر کنش متقابل زبانی در یک موقعیت رسمی، بر انتخاب ضمیر تاثیر حتمی و قطعی دارد». اما به نظر می‌رسد، با گذر زمان عنصر «حضور بالادست در کنش متقابل زبانی» نیز در حال کم‌رنگ شدن است. برای بررسی تغییرات زبانی احتمالی نسبت به زمان انجام پژوهش جهانگیری، پرسش ۳ را به دو گروه مورد پژوهش ارائه کردیم.

(۳) آیا در حضور استاد، هنگام اشاره به همکلاسی

اما در مقایسه، این پراکندگی انتخاب در گروه دانشجویان مشاهده نمی‌شود. هرچند در هر دو گروه تعداد افرادی که پاسخ (د) را انتخاب کرده‌اند بیشترین تعداد است اما در گروه استادان، جمع آن به ۸۵ نفر (۴۲.۵٪) و در گروه دانشجویان جمع آن به ۱۴۸ نفر (۷۴٪) رسیده است که رشدی چشمگیر است. بنابراین با تکیه بر این آمار، می‌توان نتیجه گرفت که در فاصله زمانی نزدیک به ۲۳ سال، در کنش زبانی با همکلاسی‌های همجنس، ادب مثبت در حال پیشی گرفتن از ادب منفی است. قابل توجه اینکه، در هر دو گروه مذکور، تعداد خانم‌هایی که پاسخ (د) را انتخاب کرده‌اند، بیشتر از آقایان است که تمایل به استفاده از ادب مثبت در کنش زبانی با همجنس را بین خانم‌ها نشان می‌دهد. برای اثبات این ادعا که در جامعه دانشگاهی کشور به‌عنوان بخشی از جامعه ایران، ادب مثبت در حال پیشی گرفتن از ادب منفی است، بهتر است نگاهی هم به داده‌های پرسش بعدی داشته باشیم.

(۲) چند نفر از همکلاسی‌های غیرهمجنس‌تان را با اسم کوچک صدا می‌زدید؟ / می‌زنید؟

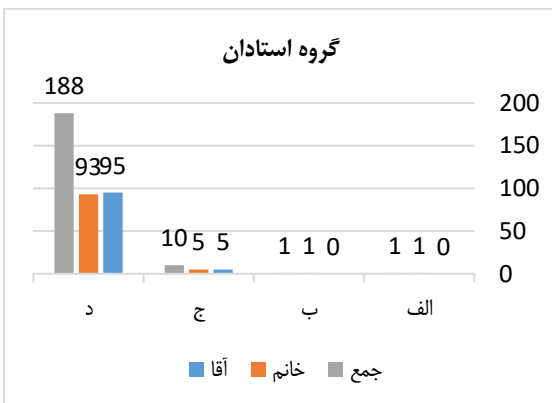
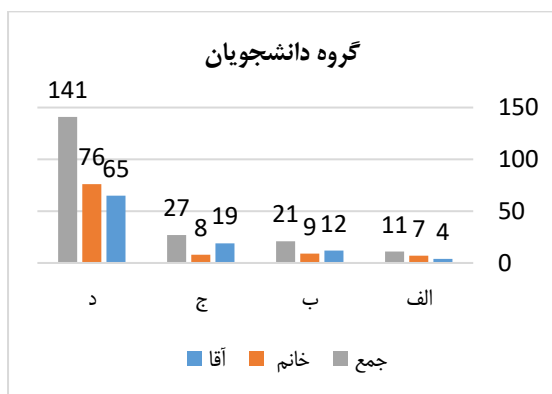
الف) هیچ کس (ب) ۱ تا ۳ نفر
ج) ۴ تا ۱۰ نفر (د) تقریباً همه همکلاسی‌ها



شکل ۳. پرسش ۲

خود، ادب مثبت را در راهبرد زبانی خود انتخاب می‌کنند. این تغییر راهبرد در هر دو جنس دانشجویان خانم و آقا به‌طور آشکار مشهود است. در پرسش (۴) موضوع اشاره به همکلاسی غیرهمجنس را در حضور استاد، جویا شدیم و داده‌های زیر به‌دست آمد.

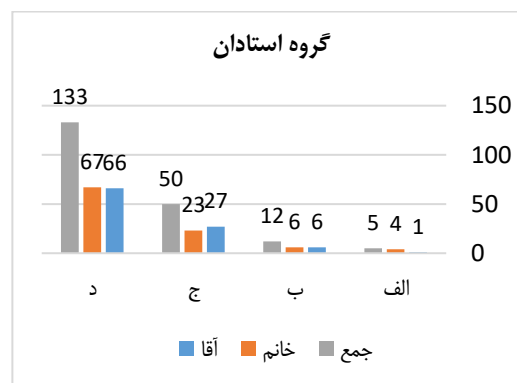
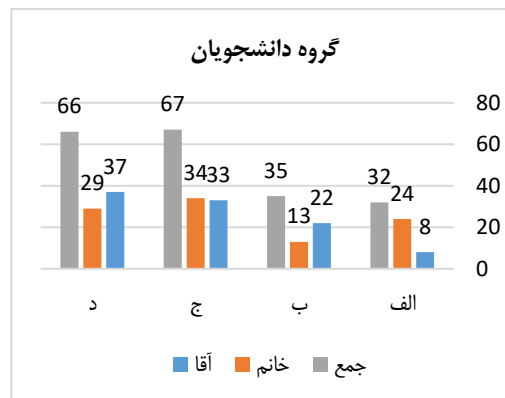
(۴) آیا در حضور استاد، هنگام اشاره به همکلاسی غیرهمجنس تان اسم کوچکش را به‌کار می‌بردید؟ / می‌برید؟
الف) همیشه (ب) اغلب (ج) گاهی اوقات (د) هیچگاه



شکل ۵. پرسش ۴

با توجه به اهمیت جنسیت در کنش‌های زبانی فارسی‌زبانان، طبق انتظار در هر دو گروه تعداد افرادی که گزینه (د) را انتخاب کرده‌اند، نسبت به شکل ۴ بیشتر است اما در این‌جا نیز تغییرات بین دو نسل مورد پژوهش را نمی‌توان رد کرد. در گروه استادان، تعداد کل افرادی که گزینه (د) را انتخاب کرده‌اند ۱۸۸ نفر (۹۴٪) است درحالی که تعداد کل همین گزینه در گروه دانشجویان به ۱۴۱ (۷۰.۵٪) نفر می‌رسد و کاهش ۲۴.۵٪ را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مورد گزینه‌های دیگر هم این تغییر در راهبرد زبانی دو گروه آشکار است. به نظر

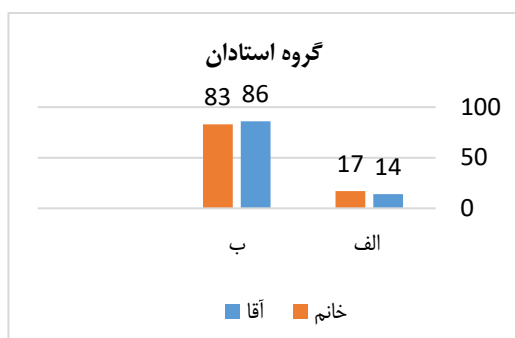
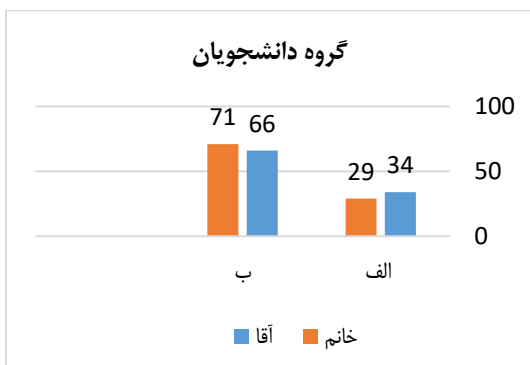
همجنس‌تان، اسم کوچکش را به‌کار می‌بردید؟ / می‌برید؟
الف) همیشه (ب) اغلب (ج) گاهی اوقات (د) هیچگاه



شکل ۴. پرسش ۳

تحلیل داده‌های پرسش (۳) نیز حکایت از تغییرات زبانی آشکار در راهبردهای زبانی دانشجویان ایرانی در دو گروه سنی مورد پژوهش دارد. در گروه استادان، تعداد کل افرادی که گزینه (د) را انتخاب کرده‌اند ۱۳۳ نفر از ۲۰۰ نفر (یعنی ۶۶.۵٪) است اما در گروه دانشجویان، این تعداد به نزدیک نصف کاهش پیدا کرده است، یعنی ۶۶ نفر (یا به عبارتی ۳۳٪). همچنین، جمع تعدادی که در گروه استادان گزینه (الف) را انتخاب کرده‌اند، تنها ۵ نفر (معادل ۲.۵٪) است که همین گزینه در گروه دانشجویان تعداد کل ۳۲ نفر (معادل ۱۶٪) را نشان می‌دهد. به‌علاوه، همان‌طور که می‌بینیم در مورد گزینه‌های (ب) و (ج) هم با تغییر کاملاً معناداری روبرو هستیم. در کل، داده‌های این نمودار نیز ما را به این نتیجه می‌رساند که در مقایسه با دانشجویان نسل قبل، دانشجویان نسل حاضر در محیط دانشگاه یا در کلاس درس و در حضور استاد که فضایی نسبتاً رسمی محسوب می‌شود، با استفاده از اسم کوچک همکلاسی همجنس

(۶) آیا در بین استادان دانشگاه، استادان غیرهمجنس بودند/ هستند که شما را با اسم کوچک صدا بزنند؟
الف) بله ب) خیر



شکل ۷. پرسش ۶

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در گروه استادان ۱۴ نفر آقا (۷٪) و ۱۷ نفر خانم (۸.۵٪)، جمعاً ۳۱ نفر (۱۵٪) پاسخ داده‌اند که از طرف استادان غیرهمجنس‌شان با اسم کوچک صدا زده می‌شده‌اند؛ اما داده‌های پژوهش حاضر حکایت از این دارد که این تعداد به ترتیب به ۳۴ نفر (۱۷٪) و ۲۹ نفر (۱۴.۵٪) در گروه دانشجویان افزایش یافته است. جمع این افراد در گروه دانشجویان به ۶۳ نفر (۳۱.۵٪) افزایش یافته است. شاید وجود این آمار در دانشگاه تهران کمی غریب به نظر برسد، اما داده‌های میدانی حکایت از افزایش ۱۶.۵٪ ادب مثبت استادان نسبت به دانشجویان در کنش‌های زبانی دارد. به‌منظور راستی‌آزمایی و اطمینان از نتایج داده‌های شکل‌های شماره ۶ و ۷ دو پرسش زیر را از گروه استادان جویا شدیم.

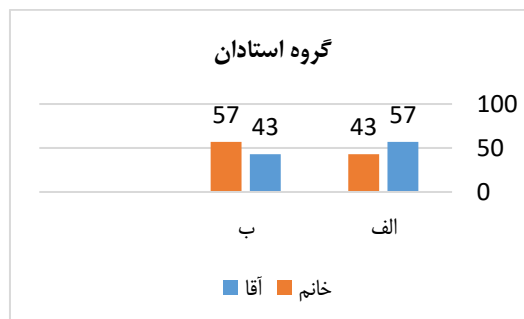
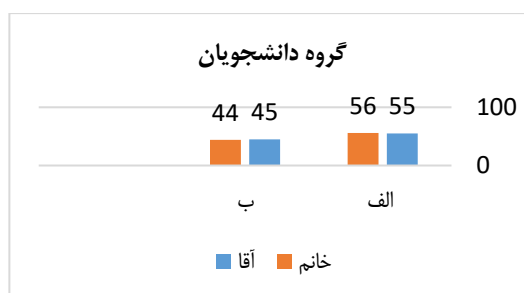
(۷) آیا در حال حاضر در بین دانشجویان همجنس با شما، افرادی هستند که آنها را با اسم کوچک صدا بزنند؟
الف) بله ب) خیر

می‌رسد با تغییرات گوناگون اجتماعی-فرهنگی از این پس نیز به‌تدریج شاهد افزایش این تغییرات در کنش‌های زبانی دانشجویان باشیم.

نوع خطاب دانشجو از طرف استاد همجنس یا غیرهمجنس

هدف از ارائه دو پرسش (۵) و (۶) که در ادامه آمده است، بررسی تغییر نوع کنش زبانی خطاب بین استاد و دانشجو در دو گروه مورد پژوهش است.

(۵) آیا در بین استادان دانشگاه، استادانی همجنس بودند/ هستند که شما را با اسم کوچک صدا بزنند؟
الف) بله ب) خیر



شکل ۸. پرسش ۵

داده‌های این پرسش بیانگر این است که درمورد آقایان در گروه استادان، تعداد افرادی که گزینه (الف) را انتخاب کرده‌اند، ۵۷ نفر (۲۸.۵٪) و در گروه دانشجویان این تعداد ۵۵ نفر (۲۷.۵٪) است و در نتیجه با تغییر معناداری روبرو نیستیم. درمورد خانم‌ها، تعداد افرادی که گزینه (الف) را در گروه استادان انتخاب کرده‌اند، ۴۳ نفر (۲۱٪) بوده اما در گروه دانشجویان این تعداد به ۵۶ نفر (۲۸٪) افزایش پیدا کرده است که بیانگر افزایش تدریجی ادب مثبت نسبت به ادب منفی در کنش‌های زبانی استادان خانم با دانشجویان همجنس است.

می‌تواند بیانگر کاربرد ادب مثبت در کنش‌های زبانی استادان با دانشجویان غیرهمجنس باشد.

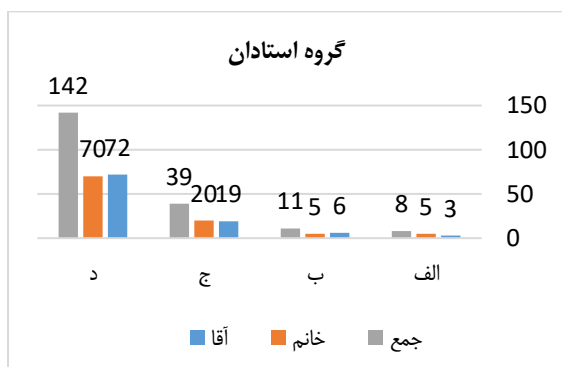
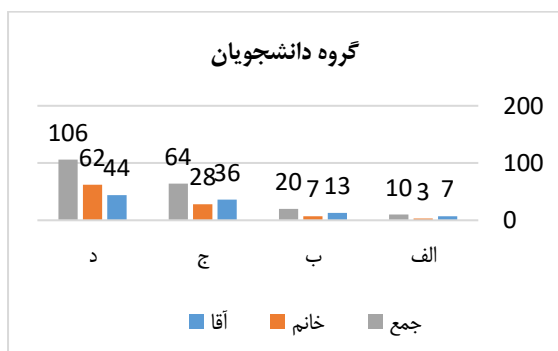
از طرفی، مقایسه این آمار با شکل ۷ نشان می‌دهد که این آمار در داده‌های گروه دانشجویان جمعاً ۶۳ نفر (۳۱.۵٪) است که همخوانی نزدیکی ندارد. این مورد باید در پژوهش‌های آتی مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

نوع خطاب استاد از طرف دانشجوی همجنس یا غیرهمجنس

پرسش پایین را از هر دو گروه استادان و دانشجویان جویا شدیم و نتایج مورد مشاهده در نمودار شکل ۱۰ حاصل گردید که در ادامه به تحلیل آن می‌پردازیم.

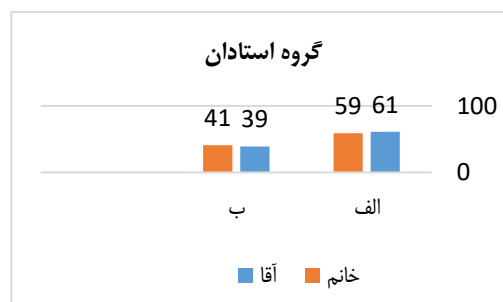
(۹) آیا هنگام صدا زدن استاد، به جای استاد و غیره یا دکتر و غیره از آقا و غیره یا خانم و غیره استفاده می‌کردید؟ می‌کنید؟

(الف) همیشه ب) اغلب ج) گاهی اوقات د) هیچ‌گاه



شکل ۱۰. پرسش ۹

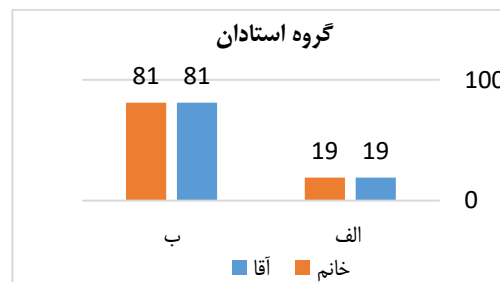
داده‌های گروه استادان نشانگر این است که تعداد کل ۱۴۲ نفر (۷۱٪) هنگام صدا زدن استاد هیچ‌گاه از آقای و غیره یا خانم و غیره استفاده نمی‌کرده‌اند. در مقایسه، همین



شکل ۸. پرسش ۷

همان‌طور که در نمودار بالا می‌بینیم، داده‌ها حکایت از این دارد که ۵۹ نفر از استادان خانم (۲۹.۵٪) و ۶۱ نفر از استادان آقا (۳۰.۵٪)، یعنی جمعاً ۱۲۰ نفر (۶۰٪) از استادان، دانشجویان همجنس خود را با اسم کوچک صدا می‌زنند. همان‌طور که در شکل (۷) دیدیم، این آمار در داده‌های گروه دانشجویان جمعاً ۱۱۱ نفر (۵۵.۵٪) است که با اختلافی اندک می‌تواند به‌نوعی تاییدکننده و مکمل داده‌های پژوهش حاضر باشد. مخاطب پرسش بعدی نیز تنها استادان هستند که در زیر به تحلیل داده‌های آن خواهیم پرداخت.

(۸) آیا در حال حاضر در بین دانشجویان غیرهمجنس با شما، دانشجویانی هستند که آنها را با اسم کوچک صدا بزنید؟ (الف) بله (ب) خیر



شکل ۹. پرسش ۸

داده‌های نمودار بالا نشان می‌دهد که به‌طور مساوی تعداد ۱۹ نفر از استادان خانم و آقا، جمعاً ۳۸ نفر از ۲۰۰ نفر (۱۹٪) مورد پژوهش در دانشگاه تهران با اسم کوچک دانشجویان غیرهمجنس خود را صدا می‌زنند. با توجه به اهمیت جنسیت در کنش‌های زبانی فارسی، این تعداد نسبت به داده‌های شکل ۸ که نشان می‌داد جمعاً ۱۲۰ نفر (۶۰٪) از استادان، دانشجویان همجنس خود را با اسم کوچک صدا می‌زنند، بسیار کمتر است. اما به هر حال، این داده‌ها نیز

آمار در گروه دانشجویان به تعداد کل ۱۰۶ نفر (۵۳٪) کاهش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مورد تمامی گزینه‌های الف، ب و ج با افزایش هرچند اندک روبرو هستیم. به نظر می‌رسد از این پس هم به تدریج صدا زدن استادان با خانم و غیره یا آقای و غیره افزایش یابد. البته با توجه به جایگاه معلم و استاد در فرهنگ ایران، دشوار بتوان نتیجه گرفت که هدف از این نوع کنش زبانی از طرف دانشجویان، برقراری ارتباط از طریق ادب مثبت باشد. شاید عدم آشنایی دانشجویان امروزی با عناصر زبانی - اجتماعی ادب در فرهنگ ایرانی نسبت به دانشجویان نسل قبل هم یکی از دلایل این تغییر تدریجی باشد. اما برای رسیدن به نتیجه‌گیری مطمئن، لازم است پژوهش‌های میدانی مکمل انجام گیرد. مدرسی تهرانی در پژوهشی که بر اساس مشاهدات و برداشتهای شخصی‌اش (نه تحقیقات میدانی و آماری) به‌عنوان یک زبان‌شناس اجتماعی ارائه می‌دهد، اشاره می‌کند: «به نظر می‌رسد که در فرهنگ ایرانی، قدرت معنوی منبعث از عواملی چون سن و تحصیلات، رفته‌رفته در میان جوان‌ترها اهمیت کمتری می‌یابد و قدرت مادی حاصل از عواملی مانند جایگاه اقتصادی، سیاسی و غیره اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و این البته ادعایی است که باید با شواهد کافی ابطال یا اثبات شود.» (۲۰۰۹: ۳۲۳)

دلایل تغییرات عناصر ادب و افزایش ادب مثبت

زبان همواره در معرض تغییرات گوناگون بوده و دوره ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما بی‌شک سرعت فزاینده فناوری و پدیده جهانی شدن بر سرعت تغییرات زبانی افزوده است. اوسامی^۱ (۲۰۰۱: ۲۰-۲۸) تغییرات در زمینه بیان‌های مؤدبانه و نظریه ادب را حاصل دو نوع تغییر، یعنی «تغییرات محلی»^۲ و «تغییرات جهانی»^۳ می‌داند. تغییرات محلی، به تغییرات درونی یک جامعه زبانی مانند تحولات اجتماعی، انقلاب‌ها و غیره اشاره دارد و تغییرات جهانی، به تغییرات اجتماعی - فرهنگی اشاره دارد که حاصل گسترش ارتباطات انسانی و در نتیجه تأثیرپذیری انسان‌ها و جوامع مختلف از هم در اثر بیشتر شدن سفرهای بین‌المللی تجاری یا جهان‌گردی، گسترش ارتباطات بین‌المللی از طریق ایمیل، چت کردن، تلفن‌های بین‌المللی و غیره است. چنین تغییرات متنوعی در نهایت منجر به تغییرات متعدد زبانی، ورود عناصر فرهنگی

بیگانه، ایجاد تنوع در سیستم ارزش‌گذاری افراد و تأثیر بر بیان‌های مؤدبانه و عناصر ادب در زبان می‌شود. بی‌شک برای پی بردن به دلایل افزایش ادب مثبت در جامعه و محیط دانشگاهی ایران، احتیاج به پژوهش‌های جداگانه و جامع است اما به نظر می‌رسد، علت این تغییرات را بتوان به تقلید از پژوهش اوسامی متأثر از دو عامل تغییرات محلی و جهانی دانست. تغییراتی همچون تغییر در نظام‌های سنتی حاکم بر جامعه و به‌ویژه دموکراتیزه شدن تدریجی روابط افراد و دموکراتیزه شدن تدریجی کل جامعه و تأثیر آن بر بیان‌های مؤدبانه و عناصر ادب را می‌توان به‌عنوان تغییرات محلی در جامعه درحال گذار ایران برشمرد. مدرسی تهرانی (۲۰۰۹: ۳۲۴) علت افزایش میزان کاربرد ضمیر دوم شخص مفرد «تو» و کاهش کاربرد ضمیر دوم شخص جمع «شما» را در خطاب به مخاطب مفرد (که مانند به‌کاربردن نام کوچک مخاطب کلام، نوعی ادب مثبت است) چنین بیان می‌کند: «تحولات درونی جامعه (مانند دموکراتیزه شدن روابط فردی و اجتماعی، هنجارشکنی و سست‌تر شدن روابط سنتی) و بیرونی (تأثیرپذیری از فرهنگ غربی) را باید از جمله مهمترین عوامل در این تحول به‌شمار آورد.» در همین رابطه و درمورد تغییرات یادشده در زبان ژاپنی، تحلیل این‌نوئوئه^۴ استاد بازنشسته دانشگاه مطالعات خارجی توکیو که یکی از پرکارترین پژوهشگران در زمینه بیان‌های مؤدبانه زبانی ژاپنی است، نیز قابل تامل است.

این‌نوئوئه (۱۹۹۹) درباره دلایل کاهش کاربرد بیان‌های مؤدبانه در زبان ژاپنی اظهارنظری دارد که می‌توان گفت در مورد دیگر زبان‌ها و زبان فارسی هم صدق می‌کند. وی معتقد است هر شخصی با هر جایگاه اجتماعی در درون خود، نهایتاً دوست دارد مورد تشویق دیگران باشد و دیگران با او صمیمی باشند و این از روح مشترک انسانی نشات می‌گیرد. برای رسیدن به این منظور افراد دوست دارند به جای مورد خطاب قرارگرفتن با بیان‌های مؤدبانه خشک که بیشتر نشان از عدم صمیمیت است، با بیان‌هایی که نشان از نزدیکی دیگران به خود است، مورد خطاب باشند. خطاب با اسم کوچک، اجتناب از بیان‌های محترمانه یا فروتنانه خشک و بی‌روح از جمله این راهبردهای زبانی هستند که به تدریج در جامعه محافظه‌کار ژاپن رو به فزونی گذاشته است. این‌نوئوئه دلیل دیگر کاهش کاربرد بیان‌های مؤدبانه را در تغییرات اجتماعی و پدیده

1. M. Usami
2. local transformation
3. global transformation

4. F. Inoue

دموکراتیزه شدن جامعه امروزی می‌داند و می‌گوید:

«تمایل جامعه امروزی بیشتر از اینکه به سمت و سوی ارتباط مافوق و زبردست باشد، به سمت ارتباط برابر و مساوی در حال تغییر است. بنابراین کاربرد بیان‌های مؤدبانه هم در این راستا دستخوش تغییر شده است. با این توضیح، دلیل تغییرات زبانی را نه در خود زبان که در تغییرات اجتماعی باید جستجو کرد. زبان همواره منعکس‌کننده جامعه‌ای است که در آن استفاده می‌شود» (اینوئوئه، ۱۹۹۹: ۸۴).

وی معتقد است:

«با تغییر جوامع امروزی، استفاده از بیان‌های مؤدبانه بیشتر از اینکه بیان‌کننده احترام باشد، به ابزاری زبانی برای ایجاد و حفظ فاصله روحی-روانی با مخاطب تبدیل شده است. چه بسا که برای بسیاری قابل احترام‌ترین فرد «پدر و مادر» یا «فلان دوست صمیمی» است اما، این لزوماً به این معنی نیست که شخص هنگام صحبت با این افراد از بیان مؤدبانه استفاده می‌کند. در بسیاری از زبان‌های اروپایی نیز، در قرون وسطی و دوران ملوک‌الطوایفی که رابطه بالادست و پایین‌دست پررنگ‌تر از امروز بود، کاربرد صحیح ضمیر دوم شخص جمع و مفرد (tu, vous در زبان فرانسه و du و sie در زبان آلمانی و غیره) در خطاب به مخاطب مفرد، بسیار سخت‌گیرانه‌تر از امروز بود اما در حال حاضر با دموکراتیزه شدن این جوامع، میزان صمیمیت افراد است که در انتخاب این ضمائر تعیین‌کننده است نه رابطه بالادست و پایین‌دست.» (اینوئوئه، ۱۹۹۹: ۹۱-۹۲)

به این ترتیب می‌توان تصور کرد که یک دانشجوی در تعامل زبانی با چند استاد یا یک استاد در تعامل زبانی با دانشجویان مختلف، تنها با توجه به رابطه «استاد و دانشجو» راهبرد زبانی یکسانی را به کار نمی‌برد بلکه میزان صمیمیت و جنسیت نیز در این مورد تعیین‌کننده خواهد بود. عامل دیگر تغییر عناصر ادب و بیان‌های مؤدبانه و افزایش ادب مثبت، تغییرات جهانی است که به زعم نگارنده در مورد زبان فارسی، به‌طور کلی می‌توان آن را به سه بخش زیر تقسیم کرد:

۱- رشد فزاینده فناوری و ظهور رسانه‌های ارتباط جمعی گوناگون و شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارتباط سخنوران فارسی با دنیای خارج و تاثیرپذیری از کاربران خارجی و داخلی این رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی: رشد قارچ‌گونه این شبکه‌ها از سال ۲۰۰۲ آغاز شد که از جمله معروف‌ترین آنها می‌توان لینکدین (۲۰۰۲)، فیس‌بوک (۲۰۰۴)، توئیتر (۲۰۰۶)، اینستاگرام (۲۰۱۰)، گوگل پلاس (۲۰۱۱) و تلگرام (۲۰۱۳) را

نام برد که هرکدام اهداف خاص و مخاطبان خاص خود را دارند. استفاده از اینترنت و کانال‌های روبه‌افزایش ماهواره‌ای نیز در این تقسیم‌بندی جا می‌گیرد. به جز مواردی که حاصل تاثیرپذیری کنش زبانی خطاب از عناصر فرهنگی موجود در زبان‌های خارجی به‌ویژه انگلیسی است، به کاربرد اسم کوچک خود در پروفایل شبکه‌های اجتماعی مجازی یا نام کاربری ایمیل و غیره نیز شاید به‌نوعی صدور مجوز به دیگران برای استفاده از اسم کوچک ما تلقی شود. چه بسا که در بسیاری از موارد شخصی که در لیست داریم، نام خانوادگی و سن ما را نمی‌داند. به‌علاوه اینکه بعضی از خانم‌های جوان در گفت‌وگوهای روزمره خود را با اسم کوچک و به شکل سوم شخص مطرح می‌کنند. این نیز پدیده زبانی جدیدی است که به‌وفور دیده می‌شود. عبارت‌های «به خودم گفتم مریم این راه تو نیست!» یا «به هو گفتم وای بیتا داری چیکار می‌کنی؟» از این نمونه‌اند. شاید بتوان گفت، گوینده با این راهبرد زبانی که به‌نوعی ادب مثبت محسوب می‌شود، ابراز صمیمیت با مخاطب را بیان می‌کند و تمایل خود به استفاده از ادب مثبت متقابل را از طرف مخاطب ابراز می‌کند.

۲- بین‌المللی شدن زبان انگلیسی بعد از جنگ جهانی دوم و استفاده آن در عمده ارتباطات و تعاملات زبانی بین‌المللی: برای مثال، استفاده از زبان انگلیسی آمریکایی برای بسیاری از سخنوران فارسی به معنای به‌کار بردن قواعد حاکم بر آن و به‌کارگیری عناصر فرهنگی-اجتماعی و عناصر ادب آن نیز می‌باشد. کاربرد این عناصر به‌تدریج باعث افزایش ادب مثبت متأثر از زبان انگلیسی آمریکایی در زبان فارسی شده است.

۳- پدیده جهانی شدن و افزایش چشمگیر مهاجرت، ادامه تحصیل در خارج از کشور، گرفتن اقامت کشورهای خارجی، ازدواج‌های بین‌المللی، افزایش تعداد دوزبان‌های ایرانی، تجارت بین‌الملل و سفرهای خارجی ایرانیان و در نهایت افزایش تعاملات زبانی ایرانیان داخل و خارج کشور نیز به نوبه خود به اشکال گوناگون، تغییرات زبانی و تغییرات عناصر ادب را در زبان فارسی در پی داشته و خواهد داشت.

می‌توان ادعا کرد که از این پس نیز عوامل محلی و جهانی مورد اشاره در بالا، همواره به‌صورتی پویا بر هم تاثیر گذاشته و در نهایت باعث سرعت در تغییرات زبانی متعدد در زبان فارسی از جمله تغییرات عناصر ادب خواهند شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تغییرات «کنش‌های زبانی خطاب» در بین استادان و دانشجویان ایرانی در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) انجام گرفت. ابتدا مثال‌هایی واقعی را از کنش‌های زبانی فارسی‌زبانان در اجتماع، محیط دانشگاه و شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی آوردیم. سپس به معرفی نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) پرداخته و در ادامه به ارائه داده‌های پژوهش میدانی و تحلیل و بررسی آن پرداختیم. در پژوهش میدانی، تعداد ۲۰۰ استاد با رده سنی ۲۹-۶۹ سال به‌عنوان دانشجویان نسل قبل و ۲۰۰ دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه تهران با رده سنی ۱۸-۲۵ سال به‌عنوان دانشجویان نسل حاضر، با توزیع پرسش‌نامه مخاطب پژوهش قرار گرفته و صورت‌های «خطاب» در چهار نوع کنش زبانی در محیط دانشگاه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. این کنش‌های زبانی عبارتند از: خطاب همکلاسی‌های همجنس و غیرهمجنس، خطاب همکلاسی‌های همجنس و غیرهمجنس در حضور استاد، نوع خطاب دانشجو از طرف استاد همجنس یا غیرهمجنس و نوع خطاب استاد از طرف دانشجوی همجنس یا غیرهمجنس. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در مقایسه با گذشته، در هر ۴ نوع کنش زبانی در فضای دانشگاه تهران، ادب مثبت در فاصله میانگین زمانی ۲۳ سال در مواردی با سرعتی چشمگیر و در مواردی به تدریج در حال افزایش و پیشی گرفتن از ادب منفی است. در ادامه چکیده‌ای از نتایج مهم پژوهش را خواهیم دید.

در تحلیل و بررسی داده‌های پژوهش مشخص شد که برای مثال، نسبت به مدت میانگین زمانی ۲۳ سال گذشته، تعداد دانشجویانی که همه همکلاسی‌های همجنس خود را با اسم کوچک صدا می‌زنند، از ۴۲.۵٪ به ۷۴٪ افزایش پیدا کرده است (برای دیدن جزئیات رجوع شود به شکل ۳). همچنین، در مورد تعداد دانشجویانی که همه همکلاسی‌های غیرهمجنس خود را با اسم کوچک صدا می‌زنند نیز شاهد افزایش آمار از ۳٪ به ۲۰٪ هستیم (شکل ۴).

از طرفی، نتایج بررسی‌های نسبتاً قدیمی از جمله جهانگیری (۱۳۷۸: ۱۵۸)، بر این مطلب تاکید دارد که «بالادست ناظر بر کنش متقابل زبانی در یک موقعیت رسمی، بر انتخاب ضمیر تائید حتمی و قطعی دارد.» اما به نظر می‌رسد، با گذر زمان عنصر «حضور بالادست در کنش متقابل زبانی» در حال رنگ باختن است. داده‌های پژوهش در

شکل ۵ نشان داد که درصد دانشجویانی که هیچ‌گاه در حضور استاد اسم کوچک همکلاسی همجنس‌شان را به‌کار نمی‌برند، در فاصله میانگین زمانی ۲۳ سال از ۶۶.۵٪ به ۳۳٪ کاهش پیدا کرده است و این آمار در مورد دانشجویانی که هیچ‌گاه در حضور استاد، اسم کوچک همکلاسی غیرهمجنس‌شان را به‌کار نمی‌برند، از ۹۴٪ به ۷۰.۵٪ کاهش پیدا کرده است که کاهش ۲۴.۵٪ را نشان می‌دهد (شکل ۶).

همچنین، بررسی داده‌ها نشان داد که درصد دانشجویان مذکری که از طرف استاد همجنس، با اسم کوچک مورد خطاب قرار می‌گیرند از ۲۸.۵٪ به ۲۷.۵٪ کاهش پیدا کرده که تغییر معناداری محسوب نمی‌شود؛ اما این آمار در مورد دانشجویان خانمی که از طرف استاد همجنس با اسم کوچک مورد خطاب قرار می‌گیرند، از ۲۱.۵٪ به ۲۸٪ افزایش پیدا کرده است که بیانگر افزایش تدریجی ادب مثبت نسبت به ادب منفی در کنش‌های زبانی استادان خانم با دانشجویان همجنس است (شکل ۷). به‌علاوه، این آمار در مورد دانشجویان مذکر و مؤنثی که از طرف استاد غیرهمجنس با اسم کوچک مورد خطاب قرار می‌گیرند به ترتیب از ۷٪ به ۱۷٪ و از ۸.۵٪ به ۱۴.۵٪ افزایش یافته است (شکل ۸) که نشانگر افزایش تدریجی استفاده از راهبرد زبانی ادب مثبت در کنش‌های زبانی استادان با دانشجویان همجنس و غیرهمجنس است.

در ادامه برای راستی‌آزمایی داده‌های شکل‌های ۷ و ۸ از استادان آقا و خانم حال حاضر دانشگاه تهران جويا شدیم که چه تعداد از دانشجویان همجنس و غیرهمجنس را با اسم کوچک صدا می‌زنند؟ داده‌ها حکایت از این دارد که ۳۰.۵٪ از استادان آقا و ۲۹.۵٪ از استادان خانم دانشجویان همجنس خود را با اسم کوچک صدا می‌زنند (شکل ۹). این آمار در پاسخ دانشجویان آقا و خانم به این پرسش که «آیا از طرف استادان همجنس با اسم کوچک خطاب می‌شوید» به ترتیب ۲۷.۵٪ و ۲۸٪ است که با اختلافی اندک می‌تواند به نوعی تاییدکننده و مکمل داده‌های پژوهش حاضر در شکل ۷ باشد. همچنین، داده‌های شکل ۱۰ نشان می‌دهد که به‌طور مساوی ۱۹٪ از استادان آقا و خانم حال حاضر دانشگاه تهران دانشجویان غیرهمجنس خود را با اسم کوچک صدا می‌زنند. این آمار در پاسخ دانشجویان آقا و خانم به این پرسش که «آیا از طرف استادان غیرهمجنس با اسم کوچک خطاب می‌شوید» در شکل ۸ به ترتیب ۱۷٪

انگلیسی» و «پدیده جهانی شدن و افزایش چشمگیر مهاجرت، ادامه تحصیل در خارج از کشور، گرفتن اقامت کشورهای خارجی، ازدواج‌های بین‌المللی، تجارت بین‌الملل و سفرهای خارجی» از جمله تغییرات جهانی محسوب می‌شوند. با مد نظر قرارداد نتایج پژوهش حاضر و با توجه به چشمگیر بودن تغییرات عناصر ادب در کنش‌های زبانی گویشوران فارسی، نگارنده قصد دارد در پژوهش‌های آتی با گسترش جامعه آماری مورد پژوهش از دانشگاه به سایر لایه‌های اجتماعی، نتایج فراگیر و جامعی را در مورد تغییرات یادشده در کنش‌های زبانی گویشوران فارسی به دست دهد.

سپاسگزاری

در توزیع پرسش‌نامه و جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از همکاری تعداد ۱۳ نفر از دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۴ دوره کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان ژاپنی دانشگاه تهران در درس زبان‌شناسی اجتماعی بهره‌مند بوده‌ام. از زحمات ایشان صمیمانه سپاسگزارم.

و ۱۴.۵٪ است که با اختلافی نه چندان زیاد می‌تواند تاییدکننده داده‌های شکل ۱۰ باشد. همچنین، با توجه به داده‌های پژوهش در نمودارهای ارائه‌شده، این نتیجه حاصل شد که نسبت به دانشجویان آقا، دانشجویان خانم در راهبردهای زبانی خطاب همجنس خود، تمایل بیشتری به استفاده از ادب مثبت نشان می‌دهند و داده‌ها نشان از افزایش این تمایل نسبت به گذشته دارد.

در پایان، دلایل تغییرات پدیدآمده در کنش‌های زبانی دو نسل یادشده از دانشجویان با استفاده از پژوهش اوسامی (۲۰۰۱) به دو بخش تغییرات «محلی و جهانی» تقسیم و مورد بررسی قرار گرفت. از مهمترین تغییرات محلی، تغییر تمایل جامعه امروز ایران از شکل ارتباط مافوق و زیردست به شکل ارتباط برابر و مساوی یا به عبارتی «دموکراتیزه شدن جامعه» است و دلایلی مانند «سرعت فزاینده فناوری و ظهور رسانه‌های ارتباط جمعی گوناگون و شبکه‌های اجتماعی مجازی»، «به‌کارگیری عناصر فرهنگی- اجتماعی و عناصر ادب حاکم بر زبان انگلیسی و تاثیر تدریجی آن بر عناصر یادشده در زبان فارسی، در نتیجه بین‌المللی شدن زبان

منابع

کار فارسی‌زبانان با توجه به صورت‌های خطاب و استراتژی‌های ادب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تربیت معلم.
صفرمقدم، احمد (۱۳۸۸). مقایسه عناصر ادب در زبان‌های کره‌ای و فارسی. تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۲، شماره ۱، ۷۷-۹۸.
عشقی‌نژاد، شهرزاد (۱۳۹۳). راه‌کارهای ادب و فرم‌های خطاب در پیام‌های کوتاه دانشجویان ایرانی زبان انگلیسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه کاشان.
مدرسی تهرانی، یحیی (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آذرپزند، سهراب (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های ساختاری مشترک در گفتارهای مؤدبانه زبان ژاپنی و فارسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۳، شماره ۱، ۴۵-۶۰.
احمدخانی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی عبارات خطاب در فارسی گفتاری محاوره‌ای. زبان‌شناخت، سال ۵، شماره ۱، ۱-۱۸.
ایزدی، احمد (۱۳۹۷). کاوشی در وجهه در تعارف ایرانی. پژوهش‌های زبان‌شناسی. دوره ۲، شماره ۱۹، ۶۷-۸۲.
جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات آگاه. ۱۲۵-۱۵۹.
شکاری، الهه (۱۳۹۱). مطالعه زبان و قدرت در گفتار محلی

Azarparand, S. (2010). Studies on Honorific Expressions in Persian: characteristic of Japanese in view, Doctoral Dissertation, Hitotsubashi University.
Beeman, W., O. (2001). Sincerity and emotion in Persian discourse: accomplishing the representations of inner

states. *International Journal of the Sociology of the Language* 148, 31-57.
Brown, P. and Levinson, S. (1978). *Universal in Language Usage: Politeness Phenomena. Questions and Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
Brown, P. and Levinson, S. (1987).

- Politeness: some universals in language usage.* Cambridge: Cambridge University press.
- Eelen, G. (2001). *A Critique of Politeness Theories.* Manchester: St. Jerome.
- Geyer, N. (2008). *Discourse and Politeness: Ambivalent Face in Japanese.* London: Continuum.
- Hodge, C. T. (1957). Some aspects of Persian style. *Language*, 33(3), 366-369.
- Ibraheem, M. M. (1841). *A grammar of the Persian language.* London: East-India College Haileybury.
- Inoue, F. (1999). *Keigo ga kowakunai* (Honorific Expressions are not Fearful). Tokyo: Koudansha gendan shinsho.
- Izadi, A. (2016). Over-politeness in Persian professional interactions. *Journal of Pragmatics* 102, 13-23.
- Jahangiri, N. (1980). Dissertation on A sociolinguistic study of Tehrani Persian, London University.
- Keshavarz, M.H. (1988). Forms of address in Post-Revolutionary Iranian Persian: A sociolinguistic Analysis. *Language in Society*, 17. 565-575
- Kikuchi, Y. (1994). *Keigo* (Honorific Expressions). Tokyo: tsunogawa shoten.
- Koutlaki, S. (2002). Offers and expressions of thanks as face enhancing acts: tae'arof in Persian. *Journal of Pragmatics* 34(12), 1733-1756.
- Kuroyanagi, T. (1989). *Yasashi Perushiago bunpou.*(The Simple Persian Grammar). Tokyo: tairyusha.
- Lambton, A.K.S. (1953). *Persian grammar.* Cambridge: Cambridge university press.
- Leech, G. (1983). *Principle of Pragmatics.* London: Longman.
- Minami, F. (1977). *Keigo no kinou to keigo koudou.* *Nihongo: Keigo* (The Function of Honorific Expressions and Honorific Lingual Behavior. Japanese: Honorific Expressions), Iwanami kouza Tokyo:Iwanami, shoten.
- Modarresi Tehrani, Y. (2009). Changes in the markers of politeness and power in Iranian culture and the Persian language, *Journal of Iranian studies* (5), 318-342.
- Oishi, H. (1975). *Keigo* (Honorific Expressions). Tokyo: Chikuma Shoten.
- Ono, S. and shibata, T. ed. (1977). *Nihongo, Keigo* (Honorific Expressions of Japanese). Iwanami koza, Vol.4. Tokyo: Iwanami shoten.
- Phillott, D. C. (1919). *Higher Persian grammar.* Calcutta, India: Calcutta University press.
- Rosen, F. (1979). *Persian grammar.* New Delhi India: Award Publishing.
- Sharifian, F. (2008). Cultural schemas in L1 and L2 compliment responses: a study of Persian-speaking learners of English. *Journal of Politeness Research* 4 (1), 55–80.
- Takiura, M. (2005). *Nihon no Keigoron: Poraitonesu Riron kara no Saikento* (The Theory of Honorific Expressions in Japanese: Reexamination From Politeness Perspective). Tokyo: Taishukan Shoten.
- Tsujimura, H. (1977). *Nihongo no keigo no kouzou to tokushoku.* *Nihongo, Keigo* (The Structure and Characteristics of Japanese Honorific Expressions), Iwanami Shoten.
- Usami, M. (2001). 21 Seki no Shakai to Nihongo. *Gekkan gengo* (The Society of 21th Century and Japanese), Taishukan Shoten 30 (1), 20-28.
- Watts, R. J. (2003). *Politeness.* Cambridge: Cambridge University Press.
- Watts, R. J., Ide S. and Ehlich, K. (eds.) (2005). *Politeness in Language: Studies in its History, Theory and Practice.* Berlin: Mouton de Gruyter.